

ریشه‌های تفکر داعش (۳) تاریخچه، نگاه‌های فقهی و استدلالات

ریشه‌های تفکر داعش (۳) تاریخچه، نگاه‌های فقهی و استدلالات

تکفیر تمامی شیعیان از عالم و عامی یکی از مبانی تفکر سلفیسم جهادی است و هیچ فرقی میان فرمانده و فرمانبردار وجود ندارد. مسأله‌ای که زرقاوی آن را در پیش گرفت این است که او تکفیر را به صورت عملی اجرا کرد، پس از آنکه تکفیر در حد یک مسأله نظری صادر شده توسط برخی از علمای سلفی باقی مانده بود

خط مشی فکری سازمان (ادامه)

۲- تکفیر همه شیعیان:

تکفیر تمامی شیعیان از عالم و عامی یکی از مبانی تفکر سلفیسم جهادی است و هیچ فرقی میان فرمانده و فرمانبردار وجود ندارد. در استفتائی که از آنان شده و در سایتشان وجود دارد شخصی پرسیده است:

حکم مردم عادی اثنای عشری چیست؟ آیا تفاوتی میان علمای هر فرقه‌ای از مذاهب خارج از دین با پیروانشان از جهت تکفیر یا تفسیق (فاسق دانستن) وجود دارد؟ آنان به صورت زیر پاسخ گفته‌اند:

هر شخص عامی که امامی از ائمه کفر و گمراهی را پیروی کند و از روی ظلم و عدوان، رهبران و بزرگان آنان را یاری نماید، حکم تکفیر و یا تفسیق همان ائمه برایش صادر می‌شود. خداوند فرمود: مردم از تو در مورد ساعت (قیامت) می‌پرسند؟ تا آنجا که می‌گوید: آنها گفتند: ای پروردگار، ما از رهبران و بزرگانمان اطاعت کردیم و آنها ما را از راه منحرف کردند. خدایا به آنان دو برابر، عذاب بده و به شدت نفرینشان کن و همچنین پیغمبر و همچنین یاران وی با رهبران مشرکین و پیروانشان جنگیدند و میان رهبران و پیروان تفاوتی قائل نشدند.

وبالله التوفیق... کمیته دائمی پژوهش‌های علمی و صدور فتوی، رئیس: عبد العزیز بن عبد الله بن باز، عبد الرزاق عفیفی، .. عضو: عبد الله بن غیران، عبد الله بن قعود.. ج 2 م 377. ابومحمد مقدسی در نامه‌ای که به زرقاوی نوشته است بر مطلبی تأکید کرده است. در این نامه آمده است:

خزیدن در ورای هدف قرار دادن همه شیعیان و انحراف مسیر جنگ از اشغالگر و طرفدارانش به سمت مساجد شیعه و امثال آنها ... جایز نیست که همه آنان از عامی، خاص و محارب را در یک طرف قرار دهیم ... به هر حال اعلام جنگ علیه فرقه‌هایی که جزء اسلام و مسلمین حساب می‌شوند در سایه اشغال صلیبیان جنایتکار که تفاوتی بین سنی و شیعه قائل نیستند، از سیاست شرعی و دینی نیست.

واقعیت اختلاف میان "مقدسی" و وارثان زرقاوی همان جهاد در راه خداست/ شبکه مداد السیوف.

این چیزی است که "ابومحمد عدنانی" در پاسخ به ایمن الظواهری طی یک سخنرانی صوتی تحت عنوان (فرمانده القاعده معذرت) بر آن تأکید کرده است و در این سخنرانی یادآور می‌شود: ما درخواست مکرر شما (فرمانده القاعده) مبنی بر عدم هدف قرار دادن عوام رافضی در عراق را

اجابت نمی‌کنیم چرا که آنان مسلمان هستند و بخاطر جهلشان فریب خورده‌اند. اگر ما با تو بیعت کرده بودیم، دستورت را اجرا می‌کردیم حتی اگر مخالفت بودیم ... پس از آنکه ابو مصعب زرقاوی شیوه اجرای برخی از آراء سلفی قائل به کفر عموم شیعه را انتخاب کرد و آن را به طور عملی در عراق اجرا کرد و عملیات قتل، انفجار و حمله به همه شیعیان را انجام داد و میان عالم و عامی و کوچک و بزرگ تفاوت نگذاشت، این امر منجر به اختلاف میان او و شیخش ابومحمد مقدسی شد که عمومیت دادن کفر که شامل همه می‌شود را نپذیرفت و میان علما، عوام و محاربین و منفجر کردن مساجد تفاوت قائل می‌شد. مسأله‌ای که زرقاوی آن را در پیش گرفت این است که او تکفیر را به صورت عملی اجرا کرد و پس از آنکه تکفیر در حد یک مسأله نظری صادر شده توسط برخی از علمای سلفی باقی مانده بود، راه قتل و ارباب را در پیش گرفت.

تکفیر شیعه ضمن اختلافی بودن میان اهل تسنن، میان خود سلفی‌ها نیز مورد اختلاف است پی‌نوشت:

تکفیر شیعه ضمن اختلافی بودن میان اهل تسنن، میان خود سلفی‌ها نیز مورد اختلاف است زیرا اهل تسنن، شیعه را تکفیر نکرده و به اسلام آنها حکم می‌کنند. این امر تا بدانجا رسید که شیخ شلتوت رحمة الله علیه که رئیس جامع الازهر در زمان خود بود، اجازه عبادت بر طبق مذهب اهل بیت علیهم السلام را مجاز شمرد.

شیخ دکتر محمد الضمام شیخ الازهر، محمد غزالی مبلغ مشهور، عبد الرحمن نجار مدیر مساجد شهر قاهره، دکتر مصطفی رافعی و محدث سلفی محمد رشید رضا، فتاوی شیخ شلتوت در مورد عدم کافر بودن شیعه را تأیید کرده‌اند. محمد رشید رضا گفته است:

اهل تسنن به درست بودن ایمان شیعه تأکید کرده‌اند زیرا اختلاف با آنان در مسائلی است که مربوط به کفر و ایمان نیست. شیعه، مسلمانی است که می‌تواند با هر زن مسلمانی ازدواج کند و اگر به عقب افتادگی و ضعفی که مسلمانان به دلیل جنگ مذهبی بدان گرفتار شده‌اند، و نیاز مبرمی که به دوستی و عطوفت با یکدیگر و وحدت داریم، نگاه کنیم، مشخص می‌شود که خویشاوندی سببی (ازدواج) با مخالف ما در مذهب، امری ضروریست.

و هر کدام از احمد بیگ مصری، شیخ ابو زهره، شیخ شلتوت، شیخ احمد باقوری شیخ ازهر در روزگار خود و طه جابر العلوانی استاد فقه و اصول دانشگاه محمد بن سعود، دکتر علی سامی النشار، بدران ابوالعینین و دیگران همچنین در همین سیاق حکم می‌کنند که شیعه جزء طایفه مسلمین است.

خالد محمد خالد عالم ازهری می‌نویسد:

طبعاً من برای شیعه، تقدیر ویژه‌ای قائل هستم و نمی‌توانیم بزرگان و سرآمدان آنان را فراموش کنم همان کسانی که در راه آزادی فقه اسلامی از غل و زنجیر و پالودن آن از شائبه‌های جاری این همه تلاش فداکارانه و مبلغانه داشتند. {مقاله‌ای از دکتر محمد عباس سلفی تحت عنوان "عالمان بزرگ شیعه را تکفیر نمی‌کنند"}.

حتی محمد ناصر الدین آل‌بانی محدث مشهور سلفی طی فایلی صوتی تصریح می‌کند: عوام شیعه تکفیر نمی‌شوند و بدعت‌های موجود در آنان همانند بدعت‌هایی است که در میان عوام اهل تسنن وجود دارد. بر طبق کلام او، این بدعت‌ها موجب خروج از دایره اسلام و حرکت به سمت کفر نیست.

در نوار شماره 518 که در سایت وی موجود است، از او سوال زیر پرسیده شده است: آیا تکفیر شیعه صحیح است، تکفیر همه آنان یا گروه خاصی از آنان؟

شیخ: ما دائماً می‌گوییم که به طور کلی تکفیر گروه و یا جماعتی از مسلمانان در شرع خدای تبارک و تعالی جایز نیست پس این کار هم جایز نیست زیرا شاید کسانی در هر گروه و طائفه‌ای باشند که بخاطر فریب خوردن یا دلیلی دیگر، مستحق تکفیر نباشند همچنانکه چه بسا کسانی در آنان باشند که مستحق تکفیر هستند و به همین دلیل به هیچ وجه من الوجوه جایز نیست که گفته شود: تمامی شیعیان کافر هستند یا تمام زیدی‌ها مثلاً یا خوارج یا اباضیه.

200

از نظرگاه شریعت اسلامی و آنچه در قرآن کریم و سنت نبوی آمده است، هر کس که شهادتین بگوید، مسلمان است و خون و مال و آبرویش محفوظ. در کافی جلد 2 ص 24 با استناد به قاسم صیرفی گفته شده است: به واسطه اسلام، خون حفظ می‌شود، امانت، ادا می‌شود، زناشویی به واسطه آن حلال می‌شود و پاداش بر پایه ایمان است. و در ج 2 ص 25 کافی با استناد به سماعه گفته است: سماعه گفت: من به اباعبد الله علیه السلام عرض کردم: مرا از اسلام و ایمان با خبر کن و اینکه آیا این دو مختلف هستند؟ فرمودند: اسلام، شهادت لا اله الا الله دادن و تأیید پیغمبر خداست و به واسطه آن، خون حفظ می‌شود و ازدواج و ارث بر اساس آن جاری می‌شود و گروهی از مردم بر همین ظاهر اسلام هستند.

سید شرف الدین موسوی در کتابش عقائد الشيعة الامامية گفته است: از تکفیر مسلمانان به خدا پناه می‌بریم و خداوند دشمن هر متجاوز گناهکاری که بسیار عیب جوست و برای سخن چینی در رفت و آمد است، می‌باشد. چگونه جایز است که شیعه اهل شهادتین و اهل نماز، روزه، حج، زکات و ایمان به آخرت را تکفیر کند در حالیکه اباعبد الله جعفر بن صادق، امامشان، در حدیث سفیان بن صمت گفته است: اسلام، همان ظاهری است که مردم بر آن هستند یعنی شهادت به توحید، نبوت پیغمبر، برپایی نماز، دادن زکات، حج بیت الله و روزه ماه رمضان. امام اباجعفر محمد باقر در صحیح حمدان بن اعین گفته است: اسلام، گفتار و کردار ظاهری است که تمام فرق و مردم آن را دارند، و بوسیله آن جانها محفوظ می‌ماند، میراث پرداخت می‌شود و زناشوئی روا می‌گردد و این فرقه‌ها بر نماز و زکوة و روزه و حج اتفاق و اجماع دارند و به همین دلیل از کفر خارج گشته، به ایمان منسوب می‌گردند. متون ائمه ما در این موضوع متواتر است و شیعه بر آن اجماع دارد.

دین اسلام به طور کلی تکفیر مسلمان را مردود می‌شمارد و به گفتن شهادت توحید، بدون توجه به اعتقادات و اسرار درون اکتفا می‌کند. پیغمبر، صحابه را می‌پذیرفت بی‌آنکه چیزی غیر از شهادتین برایشان شرط کند و از ایشان معروف است که فرمودند: هر که لا اله الا الله گوید، جان و مال و عرضش محفوظ می‌شود.

از پیغمبر روایت شده که زمانی که در خیبر بودند، امام علی از ایشان سوال کردند: با چه بجنگم؟ فرمودند: با آنان بجنگ تا به توحید و نبوت پیغمبر خدا شهادت دهند که اگر چنین کنند، جان و مال خود را در مقابل تو حفظ کرده‌اند جز در مورد حق اسلام و حسابشان که با خداست. پیغمبر - صلی الله علیه و آله و سلم - از تکفیر مسلمانان نهی کردند و فرمودند: ناسزا گفتن به مسلمان، فسق است و جنگ با او کفر. صحیح بخاری، باب ایمان، ج 46، ثواب الاعمال و عقابها: 240.

و فرمودند: هر کس به توحید شهادت دهد و رو به قبله‌ی ما کند، مانند ما نماز گزارد و از ذبح و قربانی ما بخورد، او مسلمان است و هر چیزی که برای مسلمان و علیه مسلمان است را دارا می‌باشد.

بنابراین توحید موجب حفظ جان و عرض است و شخص را وارد جرگه مسلمانان می‌کند و

همچنین از پیغمبر نقل شده که نهی کردند از تکفیر مسلمانان بخاطر ارتکاب گناه و یا معصیتی. روایت شده که ایشان فرمودند: هیچ یک از اهل قبله را بخاطر گناهی تکفیر نکنید هر چند گناه کبیره کرده باشد و فرمودند: دست از اهل توحید بردارید و آنان را تکفیر نکنید زیرا هر کس آنان را تکفیر کند، خودش به کفر نزدیکتر است (تا اسلام). جامع الاصول ابن اثیر ج 1 و 10 و 11. در بخاری باب و من أحياءها فقد أحيى (هر کس آن را زنده کند، زنده می‌کند... ص 1215 ح 6872) از ابن ظبیان نقل است که گفت: از اسامه بن زید شنیدم که گفت: پیغمبر ما را به سمت حرقه واقع در جهینه فرستاد و ما با اهل آنجا پیکار کردیم و شکستشان دادیم. من و یک انصاری به یکی از آنان رسیدیم و چون او را محاصره کردیم، گفت: لا اله الا الله. آن انصاری دست از او کشید اما من با نیزه‌ام آنقدر او را زدم تا کشته شد و چون بازگشتیم و خبر به پیغمبر رسید، به من فرمودند: ای اسامه تو او را بعد از آنکه لا اله الا الله را گفت، کشتی؟ من گفتم: ای رسول خدا او پناه می‌خواست (دنبال حفظ جان خود بود)، ایشان فرمودند: او را کشتی بعد از آنکه لا اله الا الله گفت؟ و آنقدر این جمله را تکرار کردند که من آرزو کردم ای کاش تا پیش از آن روز، مسلمان نشده بودم.

علما نیز از تکفیر اهل قبله، که شهادتین می‌گویند، نهی می‌کنند. ابن حزم در کتاب الفصل فی الملل و النحل ج 3/ ص 247 گفته است: عده‌ای از علما بر این اعتقادند که يك مسلمان بخاطر یک حرفی که در باب عقاید زده و یا یک فتوا، نه تکفیر می‌شود و نه فاسق خوانده می‌شود، زیرا هر کس که در موضوع اعتقاد اجتهاد کند و بدانچه آن را حق می‌داند، نزدیک شود، در هر حال مأجور است؛ اگر اجتهادش درست باشد دو پاداش و اگر خطا باشد يك پاداش به وی خواهند داد... و این سخن ابن ابولیلی، ابوحنیفه، شافعی، سفیان ثوری و داود بن علی ظاهری است. و این سخن همه صحابه‌ای است که من سخنی از آنها در باب این موضوع شناخته‌ام و ما اصلاً هیچ اختلافی از آنان در این مورد سراغ نداریم.

شعرانی در کتاب یواقیت و جواهر ص 58 گفته است: شیخ الاسلام تقی الدین سبکی گفته: اقدام کردن به تکفیر مومنین، بسیار سخت است. هر کسی که در قلبش، ایمانی باشد، اعتقاد به تکفیر اهل هوس و بدعت که لا اله الا الله و محمد رسول الله می‌گویند را عظیم می‌شمارد زیرا تکفیر، امری بسیار ترسناک و خطرناک است.

تفتازانی در شرح مقاصد ج 5/ 2271 گفته است: مسلمان مخالف حق، کافر نیست تا زمانی که با ضروریات دین مانند حادث بودن جهان و بر انگیخته شدن بدن مخالفت نکند. و در منتقی از ابوحنیفه نقل شده است: هیچ یک از اهل قبله تکفیر نمی‌شوند و اکثر فقها بر این هستند.